حفظ نظام متوقف بر شرکت در انتخابات است

گفت‌وگو با آیت‌الله فقیهی

شرکت در انتخابات و تأثیر گذاری در تعیین افرادی در رأس حکومت از مصادیق بارز اهتمام به امور مسلمین محسوب می‌شود؛ زیرا حتی اگر شخصی برای خود ارزش قائل نشود و بگوید برای من فرقی ندارد که چه کسی مسئول شود، حداقل باید به‌خاطر مردم، به‌سهم خود تلاش کند تا با انتخابی شایسته، فرد مناسبی روی کار آمده و امور مسلمین را سامان دهد.

آیت‌الله محسن فقیهی، عضو جامعه مدرسین و استاد خارج حوزه علمیه قم، در گفت‌وگو با «افق حوزه» به سؤالاتی چون: ماهیت و حکم شرکت در انتخابات، مهمترین راهبردهای اساسی دشمن برای عدم حضور مردم در انتخابات، راه‌کارهای ایجاد انگیزه و حضور حداکثری مردم در انتخابات و... پرداخت.

▫ مهمترین راهبردهای اساسی دشمن برای عدم حضور در انتخابات چیست؟

• القای این تفکر که فرقی ندارد، چه کسی بیاید، القای این تفکر که انتخابات مهندسی شده و هرکه را خودشان بخواهند روی کار می آورند، القای این تفکر که این نظام به پایان عمر رسیده و چیزی از عمرش نمانده، برجسته کردن مشکلات کشور، پنهان کردن پیشرفت‌های کشور، دوقطبی‌سازی‌های مخرب، حمایت و تبلیغ جریان غرب‌گرا، حمله به نهادهای انقلابی به‌ویژه شورای نگهبان و....

▫ نقش حاکمیت در تشویق مردم به شرکت در انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• حاکمیت نقش بسیار مؤثری دارد؛ ولی به نظر می‌رسد، صرف تشویق کافی نیست و باید حاکمیت با یک برنامه‌ریزی دقیق به حل کردن مشکلات بپردازد؛ یعنی بررسی کند که ببیند، چه عواملی موجب شرکت نکردن مردم در انتخابات می‌شود؟ آن عوامل را حل کند؛ مثلاً اگر دشمن در شیوه تأیید صلاحیت‌ها شبهه می‌اندازد، خوب است در صدا و سیما از مسئولان شورای نگهبان بیایند و توضیحات دقیقی بدهند تا مردم از روند بررسی صلاحیت‌ها آگاه شوند.

یا مثلاً اگر علت شرکت نکردن مردم این است که فکر می‌کنند، فرقی ندارد، چه کسی بیاید، خوب است برنامه‌هایی بسازند و دقیق گزارش بدهند که در زمان فلان‌مسئول چه اتفاقاتی افتاده و مسئول دیگر چطور بوده است. در این صورت مردم متوجه تفاوت‌ها خواهند شد.

۳. امسال دو انتخابات مهم مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان را در پیش روی داریم. بفرمایید که ماهیت و حکم «شرکت در انتخابات» از منظر فقه سیاسی اسلام چیست؟

در مورد ماهیت شرکت در انتخابات، معمولاً دو نظر مطرح می‌شود: یکی اینکه رأی دادن، حق مردم است و نظر دیگر اینکه رأی دادن به‌عنوان تکلیفی به عهده مردم می‌باشد. در توضیح تفاوت این دو نیز، گفته می‌شود که اگر شرکت در انتخابات حق مردم باشد، هر شخصی مختار است که از این حق خود استفاده کند یا اینکه استفاده نکند؛ اما اگر به‌عنوان تکلیف باشد، باید در انتخابات شرکت کند.

برخی با استناد به بعضی از مواد قانون اساسی حق بودن شرکت در انتخابات را نتیجه می‌گیرند و از این رهگذر بر الزامی نبودن شرکت در آن استدلال می‌کنند.

اما به نظر می‌رسد، منافاتی بین این دو وجود ندارد و امکان دارد که کاری، هم حق باشد و هم تکلیف؛ مثلاً حضانت و سرپرستی فرزند، حقی است که مربوط به والدین است و هریک از پدر یا مادر تحت شرایط خاصی، واجد این حق هستند. در اینجا علاوه بر اینکه حضانت حقی برای آنها محسوب می‌شود که می‌توانند، آن را مطالبه کنند و کسی نمی‌تواند، این حق را از آنها بگیرد؛ در عین حال این کار تکلیف آنها نیز می‌باشد؛ یعنی والدین تکلیف دارند که سرپرستی فرزند خود را به عهده بگیرند و نمی‌توانند، از این وظیفه سرپیچی کنند و هیچ تنافی بین این دو وجود ندارد. نه جنبه حق بودن باعث می‌شود که بتوانند، از زیر بار این مسئولیت شانه خالی کنند و نه جنبه تکلیف بودن، باعث می‌شود که استحقاق آنها نسبت به این حق کمرنگ شود.

شرکت در انتخابات نیز همین‌گونه است؛ یعنی هم حق است؛ به این معنا که هر شخص حق دارد، در سرنوشت سیاسی جامعه اثرگذار باشد و نظر خود را درباره روی کار آمدن افراد مختلف ابراز کند و هم تکلیف است؛ به این معنا که هر فردی از جامعه وظیفه دارد، در انتخابات شرکت کند و از این طریق، زمینه تصمیم‌گیری‌های درست در کشور را فراهم کند و مانع روی کار آمدن افراد کم‌صلاحیت بشود. در بحث انتخابات نیز، مانند حضانت، نه جنبه حق بودن باعث می‌شود که بتوان از این تکلیف فرار کرد و نه جنبه تکلیفی آن، باعث کمرنگ شدن حق مردم نسبت به انتخاب مسئولان می‌شود.

با توجه به اینکه جنبه حق بودن شرکت در انتخابات واضح است، نیازی به توضیح ندارد؛ اما برای اثبات تکلیف بودن آن، می‌توان به ادله مختلفی تمسک کرد:

یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که برای وجوب شرکت در انتخابات اقامه می‌شود، وجوب حفظ نظام است. با این بیان که حفظ نظام اسلامی واجب است و اختلال نظام حرام است. وقتی حفظ نظام واجب باشد، هر کاری که حفظ نظام متوقف بر آن باشد نیز، از باب مقدمه، واجب خواهد بود و شرکت در انتخابات، از امور مؤثر در حفظ نظام است. در نتیجه شرکت در انتخابات واجب است.

اصل استدلال واضح است؛ ولی قسمتی که نیاز به توضیح دارد، اثبات این مطلب است که حفظ نظام متوقف بر شرکت در انتخابات است. در توضیح این مطلب باید گفت، تعداد انتخابات‌هایی که در هر کشوری برگزار می‌شود و همچنین میزان استقبال مردم از انتخابات، معیاری برای مقبولیت آن نظام می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که اگر در کشوری این آمار پایین باشد، نشان‌دهنده سستی بنیان آن حکومت می‌باشد؛ زیرا پشتوانه مردمی را ندارد و احتمال سقوط آن زیاد است؛ در نتیجه دشمنان نیز برای سرنگون کردن چنین جامعه‌ای همت بیشتری خواهند داشت و برنامه‌ریزی‌های زیادی برای حذف آن خواهند داشت. در مقابل اگر آمار مشارکت در انتخابات بالا باشد، به‌معنای این است که حکومت از مقبولیت بین مردم برخوردار است و از این لحاظ، پشتوانه قوی دارد. در نتیجه دشمن کمتر به خود اجازه حمله به چنین کشوری را خواهد داد. پس رأی تک‌تک افراد در واقع تقویت نظام محسوب می‌شود و باعث ایجاد پشتوانه قوی برای کشور و ترس دشمن از حمله به آنهاست.

از دلیل عقلی هم می‌توان استفاده کرد؛ با این بیان که عقل می‌گوید: وقتی رأی هر شخص می‌تواند در سرنوشت او اثرگذار باشد و می‌تواند موجب روی کارآمدن افراد شایسته بشود که نتیجه آن در دنیا و آخرت انسان مؤثر خواهد بود، قطعاً باید در انتخابات شرکت کند و به‌وسیله اعلام رأی خود، زمینه رشد خود را فراهم کند. امکان دارد، کسی بگوید گاهی هیچ‌یک از کاندیداها صلاحیت کامل را ندارند؛ پس در این‌گونه موارد شرکت کردن در انتخابات لزومی ندارد؛ اما پاسخ این است که حتی اگر بر فرض چنین حالتی پیش بیاید، قطعاً ما با رأی خود می‌توانیم باعث انتخاب فردی بشویم که بیشترین فایده و کمترین ضرر را در سرنوشت دنیوی و اخروی ما داشته باشد. اگر شخصی در این حالت، با این عذر که هیچ‌یک از کاندیداها صلاحیت کامل ندارند، در انتخابات شرکت نکند و فردی نالایق روی کار بیاید، قطعاً عُقلا او را مذمت می‌کنند و می‌گویند چرا در انتخابات شرکت نکردی تا حداقل فردی روی کار بیاید که کمتر آسیب بزند؛ پس عقل هم، دلالت بر لزوم شرکت در انتخابات دارد.

یکی دیگر از ادله‌ای که می‌توان بر وجوب شرکت در انتخابات اقامه کرد، روایاتی است که دستور به اهتمام داشتن نسبت به امور مسلمین می‌دهد و از بی‌تفاوتی نسبت به آن نهی می‌کند؛ مانند روایت پیامبر اکرم ﷺ که می‌فرمایند: «من أصبح لایهتمّ بأمور المسلمین فلیس بمسلم» (کافی، ج ۲، ص ۱۶۳). در این روایت پیامبر اکرم ﷺ شخص بی‌تفاوت نسبت به امور مسلمین را از دایره مسلمانی خارج می‌دانند.

مشخص است که شرکت در انتخابات و تأثیرگذاری در تعیین افرادی در رأس حکومت از مصادیق بارز اهتمام به امور مسلمین محسوب می‌شود؛ زیرا حتی اگر شخصی برای خود ارزش قائل نشود و بگوید: برای من فرقی ندارد که چه کسی مسئول شود، حداقل باید به‌خاطر مردم، به‌سهم خود تلاش کند تا با انتخابی شایسته، فرد مناسبی روی کار آمده و امور مسلمین را سامان دهد. چه‌بسیار افراد نیازمندی که امکان دارد، با روی کار آمدن فردی، وضعیت اقتصادی‌شان دگرگون شود و نیازمندی آنها تا حد زیادی برطرف شود و از طرف دیگر چه‌بسیار افراد نیازمندی که امکان دارد، با روی کار آمدن فردی، نیازمندی آنها بیشتر شود و فاصله طبقاتی بین افراد جامعه روز به روز افزایش یابد. قطعاً هر شخصی با رأیی که می‌دهد، نسبت به پیدایش یا عدم پیدایش این وضعیت، سهیم خواهد بود.

▫ به نظر حضرت‌عالی برای ایجاد انگیزه و حضور حداکثری مردم در انتخابات چه راهکارهایی لازم است؟

• یکی از مهم‌ترین نیازهای جامعه کنونی، آگاهی‌بخشی و روشنگری است. تا زمانی که مردم خطرهای حاضر نشدن در انتخابات برای کشور و جامعه را ندانند، نسبت به آن بی‌تفاوت خواهند بود.

یکی از کارها جواب دادن به شبهه‌هاست. واقعیت این است که بسیاری از مردم نه از روی عناد؛ بلکه به‌خاطر شبهه‌ای که دارند، شرکت نمی‌کنند. اگر ما بتوانیم به شبهه‌های آنها جواب دهیم، درصد قابل توجهی شرکت می‌کنند؛ مثلاً خوب است، یکی از مسئولان شورای نگهبان به حساسیت‌ها و دقت‌ها در روند برگزاری انتخابات اشاره کرده و توضیح دهد تا شبهه تقلب و مهندسی انتخابات پیش نیاید. یا مثلاً با بیان حقایق و آشنا کردن مردم با دستاوردهای خوب نظام، آنها را به آینده امیدوار کنیم و شبهه عدم کارایی نظام را از بین ببریم.

دادن برنامه دقیق توسط نامزدها هم، می‌تواند مؤثر باشد؛ یعنی طوری نشود که مردم احساس کنند اینها همه شعار است و عملی نمی‌شود. هر بار با نزدیکی به انتخابات، بازار شعارهایی که گاه با واقعیت و توانایی افراد فاصله بسیاری دارد، گرم می‌شود. پرهیز از شعارگرایی و توجه به واقعیت‌ها باعث می‌شود که توقعات جامعه نیز در حد معقول باشد. اگر وعده‌هایی داده شود که نمی‌شود به حقیقت برسد، توقع ایجاد کرده و با عدم دستیابی به آن، جامعه نظام را ناکارآمد می‌پندارد.

نکته دیگر این است که باید از تخریب پرهیز شود. هر نامزد انتخاباتی توانایی‌های خود را صادقانه بیان کند و از تخریب سایر نامزدها دوری نماید. فضای التهاب‌آور تخریب، توهین و تهمت، موجب انزجار افکار عمومی خواهد بود. مردم نیازمند فضایی آرام هستند.

ایجاد فضای رقابتی و ارتباطی مناسب نیز باعث می‌شود که دیدگاه‌ها بهتر شنیده و دیده شود و مردم با شناخت دیدگاه‌ها برای پیروزی سلیقه خود، تلاش خواهند کرد.

▫ چرا انتخابات خبرگان مهم است؟ جایگاه و اهمیت مجلس خبرگان رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تبیین فرمایید.

در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، عالی‌ترین مقام و شخص اول نظام، رهبر می‌باشد. حال تصور کنید، نهادی وظیفه انتخاب رهبر و نظارت بر آن را به عهده داشته باشد. قطعاً جایگاه چنین نهادی بسیار حساس خواهد بود؛ چراکه سر و کارش با عالی‌ترین مقام مملکت است.

یکی از وظایف مجلس خبرگان، تعیین رهبر است که در موارد نیاز باید اقدام کند. فوت، عزل یا استعفای رهبر، موجب این می‌شود که خبرگان وظیفه تعیین رهبر را انجام دهند. وظیفه دیگر آنها مراقبت نسبت به تداوم شرایط رهبر می‌باشد؛ زیرا شرایطی که برای رهبر مشخص شده است، نه‌تنها در آغاز کار؛ بلکه در ادامه نیز باید موجود باشد و اگر یکی از این شرایط از بین برود، رهبر عزل خواهد شد. پس خبرگان به‌طور مستمر بر کار رهبر نظارت دارد.

همچنین از دیگر وظایف مجلس خبرگان، تصویب قوانین مربوط به مجلس خبرگان است؛ زیرا تنها نهادی که مسئول مافوق ندارد و مصوباتش را خودش تصویب می‌کند، مجلس خبرگان است. بر خلاف نهادهای دیگر که در برابر مصوبات خود باید نسبت به مافوق خود پاسخگو باشند. همین نکته گویای اهمیت مجلس خبرگان است که در رأس امور قرار دارد.

با توجه به توضیحاتی که داده شد، مشخص می‌شود که مجلس خبرگان جایگاه بسیار مهمی دارد؛ زیرا اگر این مجلس خدای ناکرده، کار خود را درست انجام ندهد، موجب سستی عالی‌ترین مقام کشور می‌شود و درنتیجه در کل نظام اثر می‌گذارد. پس دقت در انتخاب اعضای مجلس خبرگان ضروری است و نباید به‌خاطر اینکه کار آنها نمود زیادی ندارد، آن را بی‌ارزش تلقی کنیم؛ زیرا مجلس خبرگان در لحظات حساس، تصمیمات بسیار مهمی باید بگیرد. متأسفانه گاهی عده‌ای این‌گونه تصور می‌کنند که چون مجلس خبرگان هر سال فقط دو بار اجلاسیه دارد، پس معلوم می‌شود، کار خاصی ندارند؛ بر خلاف مجلس و دولت که به‌طور مستمر جلسه دارند. در پاسخ به این افراد باید گفت، اولاً: این اجلاسی که هر سال – دو مرتبه برگزار می‌شود، اجلاس عمومی است؛ وگرنه کمیسیون‌های مختلف مجلس خبرگان، در طول سال جلسات مختلفی دارند و هرکدام وظایف خاصی را انجام می‌دهند. ثانیاً: جنس کار مجلس خبرگان با دولت و مجلس متفاوت است و همین نکته موجب تفاوت تعداد جلسات است. مجلس خبرگان ممکن است، مدت زیادی بگذرد و نیاز به تصمیم‌گیری مهمی نداشته باشد؛ ولی همان‌گونه که گفتیم، در لحظات حساس بسیار نقش‌آفرین خواهد بود.

با توجه به اینکه جنبه حق بودن شرکت در انتخابات واضح است، نیازی به توضیح ندارد؛ اما برای اثبات تکلیف بودن آن می‌توان به ادله مختلفی تمسک کرد: یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که برای وجوب شرکت در انتخابات اقامه می‌شود، وجوب حفظ نظام است. با این بیان که حفظ نظام اسلامی واجب است و اختلال نظام حرام است. وقتی حفظ نظام واجب باشد، هر کاری که حفظ نظام متوقف بر آن باشد نیز، از باب مقدمه، واجب خواهد بود و شرکت در انتخابات، از امور مؤثر در حفظ نظام است. در نتیجه شرکت در انتخابات واجب است.